

بسم الله الرحمن الرحيم

انقلاب بدون رهبر، به کشتی بدون ناخدا می ماند

(ترجمه)



مردم درعا هرگز روز 18 مارچ 2011م را فراموش نمی کنند؛ روزی که اطفال شان بزرگ ترین انقلاب را با دستان خود رقم زدند، انقلابی که نزدیک بود سر بزرگان امت ها را به احترام آنچه که در راه نجات از زیر ظلم نظام های دیکتاتور و جنایت کار انجام داده بودند، پایین آورد. مردم هرگز روز 25 مارچ 2011م را فراموش نمی کنند؛ روزی که مردم اهالی حوران وقتی که خبر محاصره درعا به گوش شان رسید، با پاهای برهنه و پیاده، کمک های اولیه و خوراک را به آن ها رسانیدند و در منطقه موسوم به بت گرد آمده بت را نابود کرده و از عبادت آن جلوگیری به عمل آوردند.

مردم حوران جمعی از برادران شان را که در دمشق، حمص، لاذقیه، ادلب، الجزیه و غیره به جاده ها بیرون شده و از آن ها اعلان حمایت کردند و شعار می دادند: جان و روح مان فدایت ای درعا" هرگز فراموش نمی کنند. برای این که با اهل درعا در یک مسیر واحد برای سقوط نظام جنایتکار و اقامه حاکمیت اسلام بعد از سقوط اش همگام باشند، از قربانی هایی که در این راه قربان کردن هیچ باکی نداشتند. اما انقلاب، نیاز مبرم به سه امر دارد تا به هدف اش برسد، در غیر آن بعد از ویرانی شهرها به ناکامی مواجه خواهد شد.

اول) نیاز به برنامه ای که آن ها را به هدفی که تعیین نموده اند، برساند تا متضمن راه درست باشد.

دوم) نیاز به رهبری سیاسی، زیرک و مخلصی دارد که او را به راهش رهنمائی کند و در هنگام مواجه شدن به هر خطر و مشکلی او را آگاه نماید تا مسیرش را برای رسیدن به هدف اش تعقیب نماید.

سوم) انقلاب نیاز به نیروی نظامی دارد که حمایت‌اش نماید، رهبری سیاسی‌اش را نصرت داده و مشکلات را از سر راهش بردارد و نظام جنایت‌کار را سقوط داده و بعد از سقوط آن نظام خلافت اسلامی را تأسیس نماید.

مردم حوران بر ضرورت این که برای انقلاب رهبری سیاسی باشد و این که دارای برنامه‌ای باشد که او را به هدف‌اش برساند، خسته نمی‌شوند.

هیچ‌کس به جز حزب التحریر برنامه‌ای را که مجاهدین دستورالعمل خویش قرار دهند، به آن‌ها پیشکش نکرده است، اما حزب التحریر از همان لحظه نخست نقشه‌ای را برای‌شان ترسیم نمود تا آن را بپیمایند. اگر افراد نظامی در قطعات نظامی با انقلابیون و کسانی که از ارتش جدا شده بودند، همکاری می‌کردند، سپس امورشان را سروسامان داده و از قیادت قطعات نظامی خارج نمی‌شدند، سپس بر پیروان نظام یورش می‌بردند و از قدرتی که در اختیار داشتند، برای نصرت مردم و انقلاب‌شان استفاده می‌کردند و صفوف‌شان را برای جنگ با طرفداران نظام تنظیم می‌کردند، بهترین پیروزی به آن‌ها و انقلاب‌شان محسوب می‌شد.

با تغییر میزان قدرت برای اصلاح انقلابیون در سال 2014م حزب التحریر دومین پیشنهاد سیاسی‌اش را به انقلابیون پیشکش نمود تا راهی برای رسیدن به هدف باشد و آن را به هر فعال، رهبر و اهل رأی در انقلاب رساند تا به آن عمل نموده و انقلاب را به مسیر درست‌اش رهنمائی کنند.

سپس حزب برای استقامت مبانی و اصولی را که انقلاب به آن نیاز دارد، دوباره بیان نمود تا مسیر آن توسط حمایت و مال‌های سیاسی پلید منحرف نگردد؛ بناءً اهداف ثابتی را برای انقلاب وضع نمود؛ اهداف ثابتی که اگر رسوخ پیدا کند، مسیر آن را در راه درست محکم گرداند و آن‌ها عبارت‌اند از:

1. سقوط نظام با تمامی رموز و ارکان آن؛

2. آزادی از دنباله‌روی دولت‌ها و قطع رابطه همراهی‌شان؛

3. اقامه دولت خلافت برمنهج نبوت.

سپس حزب عمل‌اش را تعقیب نموده تا برای آنچه که انقلاب به آن نیاز دارد، پردازد و از وضاحت راهی که در پیشروی‌شان قرار دارد، افشای مزدورانی که با دشمنان‌شان رابطه دارند و تحت الشعاع قرار دادن توطئه‌هایی که برای ازبین‌بردن انقلاب چیده‌اند و افشای این توطئه‌ها از "ژینو" گرفته تا "آستانه" با تمامی ارقام و زهرهای مذورانه آن.

هرآنچه که انقلاب در رهبری سیاسی نیاز دارد، حزب برای انقلاب تقدیم نموده است تا در مسیر خود برای رسیدن به هدف‌اش باقی بماند. اما دولت‌ها-که به جزئیات آنچه که جریان دارد آگاه هست- به سرعت در صدد ایجاد رهبری از بین افراد و کسانی که در رکاب آن‌ها روان هستند، از ائتلاف و هیئت آن شدند، اما مردم از آن‌ها پیروی نمی‌کنند و طرفدار انقلاب هستند. سپس دولت‌ها تلاش کردند که توسط پول و تمویل بسیاری از رهبران انقلاب را خریداری کنند تا به اوامر و دستورات آن‌ها در حرکت باشند. اما برنامه‌ای را که دولت‌ها در صدد ایجاد آن هستند، ختم انقلاب و تسلیمی مناطق به آغوش نظام می‌باشد.

وقتی که کنفرانس‌های پی‌درپی از ژینو 1 تا به آستانه 8 برگزار شد و جهات به مناطق کاهش تنش متوقف گردید و برنامه پیمان نظام شروع شد تا مناطق را یکی پی دیگری پس بگیرد و رهبران مخالفین قبلاً بر تسلیمی مناطق و اجرای موقع بر آن‌ها واقع شده بودند، بناءً

کار بر انقلاب دشوار گردید و حزب بیم‌دهنده آشکار (حزب التحریر) نامه سرگشاده را به انقلاب تقدیم نمود، آن‌ها را از خطری که انقلاب را احاطه کرده است، هشدار داد و راه‌حل مناسبی را به آن‌ها پیشکش نمود تا از هلاکت نجات‌شان دهد. این نامه سرگشاده بر همه رهبران، شیوخ، متنفذین و فعالین در انقلاب شام تقدیم گردید.

بلی، مردم درعا روزی را که برای قبولی مناطق کاهش تنش به آن‌ها چراغ سبز نشان داده شد، فراموش نمی‌کنند، اگرچه اشتراک در غوطه را نیز شرط گذاشتند و مردم درعا بعد از راه‌حل کاهش تنش انقسام خویش را بر اجتماع به خاطر مبارزه به سبب این کار فراموش نمی‌کنند. مردم درعا از تلاش‌های مردم حوران توسط پول و حمایت برای ایجاد بنیاد محکم را در جهت اتصال آن منطقه فراموش نمی‌کنند؛ چون تنها آن‌ها بودند که غیر وابسته به دولت‌های دیگر بودند.

مردم حوران از تلاش اردن برای داخل کردن اردوی نظام جنایتکار به منطقه را که نافرمانی کرده بودند، از طریق فشار بر فرقه بادیه‌نشین فراموش نمی‌کنند که آن را از حوران جدا کرد و آن‌جا پناهگاه امنی برای مجاهدینی که نظام به او دست رسی نداشت، بود.

مردم حوران سقوط منطقه "بصر" را فراموش نمی‌کنند که در حین جنگ در آن منطقه رهبران مخالفین با نماینده‌گان کشورها در اردن گردآمده و در مورد تسلیمی منطقه "بصر الحریر" مناقشه داشتند، اما آن‌ها نمی‌دانستند که در هنگام حضور آنان به اردن، این منطقه سقوط می‌کند.

مردم حوران از اجتماع ده‌ها تن مجاهدینی که در خیمه‌های شان گردآمده بودند و سلاح‌های شان در دست‌شان بودند، فراموش نمی‌کنند، اما آن‌ها منتظر رهبری بودند که تا به ساحه جنگ بازگردند که محاصره به آن‌ها رسید؛ اما آن‌ها منتظر شهرهای اطراف‌شان بودند تا مناطق یکی پی دیگری سقوط کرد.

مردم درعا نجوهای اردن را که درمورد مذاکرات همراهی روسیه به گوش‌شان خوانده بود، از یاد نمی‌برند و از دروغ وانمود کرده بود که روسیه بعد از حمله ده‌روزه‌اش دیگر امکان بازگشت را ندارد و به این طریق آن‌ها را فریب داد. وقتی که نماینده مردم درعا همراهی روسیه وارد مذاکره شد، قریه‌ها و شهرهای دیگر رو به مذاکره آورده و ارتش نظام جنایت‌کار وارد شهرها شد. مردم قریه‌های دیگر با خود می‌گفتند: این مردم درعا است که با روسیه-دشمن خود- وارد مذاکره شده‌اند. آیا ما بیشتر از آن‌ها نیستیم؟ بناء نشست این‌ها سبب نشست دیگران گردیده و پذیرفتن این‌ها به راه‌حل مذاکره باعث پذیرفتن دیگران گردید.

مردم حوران ذوب شدن گروه‌ها و مجاهدین را بعد از مذاکرات از یاد نمی‌برند و هم‌چنین این که نظام جنایت‌کار چگونه بعد از قبول مذاکره وارد شهرها گردید، بعد از این که توانائی جنگ را از دست داده بود. مردم حوران از یاد نمی‌برند که چگونه صلح‌ننگین و مذاکرات ذلت‌بار بر آنان تحمیل گردید؛ در حالی که آن‌ها مشعل این انقلاب بودند.

بلی، مردم حوران این مسایل را از یاد نمی‌برند و امروزه به خوبی می‌دانند که نظام جنایت‌کار به حوران و مردم آن به آنچه تا اکنون رخ داده و رخ خواهد داد، خیانت نموده، دست‌گیری‌ها ادامه داشته و جوانان را به خدمت الزامی گرفته تا هیزوم آتش جنگ در ادلب باشند. اما وضعیت زنده‌گی هیچ تغییر نیامده است؛ بلکه نظام جنایت‌کار در صدد به فقر کشاندن مردم و وارد کردن فشار بالای‌شان هست و تمامی امکانات‌شان را از آن‌ها به غارت برده و آن‌ها را به فروش رسانیده است؛ بلکه افزون بر این از مردم می‌خواهد که

خواسته‌های‌شان را بر آورده سازند. اما امروزه یک نوع بیداری در بین جوانان به نظر می‌رسد که اسلحه‌ای در اختیار دارند و عناصر نظام مجرم در اطراف‌شان به حالت خوف و وحشت به سر می‌برند.

اگر مجاهدین دوباره صفوف‌شان را به دور از ارتباط با دولت‌ها تنظیم کنند و در راه الله سبحانه و تعالی به مبارزه بپردازند، در این شکی نیست که طبق وعده‌ی الله سبحانه و تعالی نصرت نزدیک است. اگر غفلت‌شان به درازا کشد و پول‌های دیگران آن‌ها را متفرق گرداند، دشمنان‌شان به خود سروسامان داده و خود را قوی می‌گرداند و آن‌ها را تهدید می‌کند.

به مردم حوران یادآوری می‌کنیم که امروز فرصت‌شان هست و اگر نظام دوباره قوت گرفت، دیگر فرصتی ندارند و اگر به انقلاب جدیدی مبادرت ورزند، نظام در حوران به دست‌ان‌شان به هلاکت خواهد رسید و دوباره مشعل انقلاب خواهند شد و مناطق زیادی را در سرزمین شام به دست خواهند گرفت.

ای مردم حوران! از گذشته‌ی خود پند گرفته و خود را خالص گردانید، دوباره پیروز نخواهید شد؛ اگر حزب التحریر را به عنوان قیادت سیاسی بپذیرید تا شما را رهنمائی کند و برنامه‌شان را برنامه‌ی انقلاب قرار دهید، در آن هنگام انقلاب دوباره به راه درست‌اش برگشته و به سقوط نظام و تأسیس دولت خلافت برمنهج نبوت برمی‌گردد.

برگرفته از جریده‌ی الرایه

نویسنده: انجنیر کامل "حورانی"

12 ربیع الثانی 1440 هـ.ق

5 دسمبر 2018 م